



29 آگست 2023

داکتر سید عبدالله کاظم

میگویند: «گل خشک به دیوار نمی چسپد!»

قابل توجه آقای داؤد ملکیار

آقای داؤد ملکیار نوشته ای را تحت عنوان "محمد داؤد و خانواده اش چگونه کشته شدند؟..." بتاريخ 16 آگست 2023 در وبسایت آریانا افغانستان به نشر سپرد که البته تکرار همان موضوعاتی بود که قبلاً در ماه جون و جولای 2018 با عکس العمل های جدی بعضی خوانندگان روبرو شد. نوشته جدید فوق الذکر او بار دیگر با انعکاسات و تبصره های بیشتر انتقادی خوانندگان مواجه گردیده است که یکی آن هم تبصره مختصر محترم آقای نبیل عزیزی بود. آقای داؤد ملکیار به جواب ایشان در صفحه نظر سنجی وبسایت افغان جرمن آنلاين - مورخ 23 آگست 2023 چنین نوشت:

«محترم جناب نبیل عزیزی! وقتی شما در مورد نوشته اخیر من می نویسید که: "بدون معاینات طب عدلی و تحقیقات همه جانبه، حکم صادر نمودن خود یک گناه است و می تواند از نگاه حقوقی پیگیری گردد"، لطف نموده و در تمام نوشته من یک حکم قطعی نشان دهید، تا من با شما موافقه نمایم.

نوشته من 99 فیصد نقل قول از شاهدان است و یک فیصد ممکن نتیجه گیری من باشد که در آن جز تحلیل گفته های شاهدان، کدام حکمی صادر نشده است.

من بزودی به جواب انتقادات آقای کاظم و پیروان شان، جواب لازم را ارائه خواهم کرد، اما عجلتاً از شما توقع دارم که به حیث یک نویسنده، روی احساسات قضاوت نکنید، بلکه روی اسناد و صحت و سقم اسناد و شواهد بحث و مناظره نمایند....»

اینک در ارتباط با جوابیه فوق میخوام توجه را به چند موضوع ذیل جلب نمایم:

1 - آقای ملکیار در تبصره فوق خود می نویسید که: «لطف نموده و در تمام نوشته من یک حکم قطعی نشان دهید... نوشته من 99 فیصد نقل قول از شاهدان است و یک فیصد ممکن نتیجه گیری من باش که در آن جز تحلیل گفته های شاهدان، کدام حکمی صادر نشده است.»

برای صحت و سقم این گفته لازم است کمی به سوابق موضوع مراجعه کرد و دید که آیا واقعاً جناب شان صرف به گزارش ادعای گویا شاهدان اکتفاء کرده و یا اینکه خود با قاطعیت به قضاوت و صدور حکم پرداخته است؟ توجه کنید به نوشته اینجانب که بتاريخ 15 جون 2018 در وبسایت افغان جرمن آنلاين تحت عنوان "چند سؤالی در مورد وقایع ارگ از آقای ملکیار" به نشر رسید و سؤال هایی را مطرح کردم که در آنوقت جواب لازم در زمینه ارائه نشد و سخن به حاشیه پردازی کشید و به همین دلیل وبسایت افغان جرمن به ادامه بحث خاتمه داد. اینک متن مکمل آن نوشته را جهت آگاهی علاقمندان از سوابق موضوع باز نشر میدارم تا این گفته آقای داؤد ملکیار را که: «کدام حکمی صادر نشده است» مورد تدقیق و قضاوت خویش قرار دهند:

داکتر سید عبدالله کاظم - 15 جون 2018

چند سؤالی در مورد "وقایع ارگ" از آقای داؤد ملکیار

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

[قابل توجه: آنچه در این متن به رنگ آبی [لاجوردی] آمده، اقتباس عینی از نقل قول آقای داؤد ملکیار است و آنچه در بین براکت {...} به رنگ سیاه درج شده است، از این قلم میباشد]

محترم آقای داؤد ملکیار! قبل از طرح سؤالها پیرامون نوشته اخیر شما تحت عنوان "چگونگی قسمتی از وقایع ارگ" منتشره این پورتال (مورخ 12 جون 2018) لازم میدانم بعضی از نکاتی را که شما ضمن نوشته های چند هفته قبل خود در موضوع واقعات ارگ حین کودتای ثور بیان کرده بودید، به مقصد تداعی خاطر عیناً اقتباس نمایم و طرح سؤالها را از آنجا آغاز کنم، از اینقرار:

«قرار اظهارات شاهدان زنده، در صبح هشت ثور، قبل از آنکه چندین تن از اعضای خانواده توسط مرحوم میرویس پسر داؤد خان، به ضرب گلوله کشته شوند، محترمه هما در حالیکه پسرش را در آغوش داشت، به سرعت خودش را به زیر زینه ها رسانده و در آنجا پنهان شد و به این ترتیب از چشم مرحوم میرویس داؤد مخفی مانده از سرنوشت غم انگیز دیگران خودش را نجات داد. جزئیات این وقایع که یک تعداد زیادی از اقارب و دوستان خانوادگی از آن اطلاع دارند آیا میتوانید از این تعداد زیاد اقارب و دوستان خانوادگی چند نفری را نام ببرید؟ و بخاطر مصلحت ها هنوز بازگو نشده است {مثلاً چه مصلحت ها که هنوز بازگو نشده اند؟}، در آینده از قول شاهدان عینی، به اطلاع هموطنان رسانیده خواهد شد.»

«در مورد وقایع روز هفتم ثور آنچه من طور مختصر به آن اشاره کردم، زاده بد بینی نیست» {که در آن شک موجود است!} «بلکه واقعیت های غیر قابل تردید است» {واقعیت غیرقابل تردید معنی میدهد که ادعا به ثبوت رسیده و دیگر جای بحث بر آن باقی نمانده است! شما برویت کدام اسناد آنرا واقعیت غیرقابل تردید دانسته اید؟} «که صد ها نفر از آن اطلاع دارند» {صد ها نفر!!} آیا میتوانید از چند نفر مشخص از جمله صد ها نفر را طور نمونه نام ببرید؟.

«بار اول از این واقعیت ها 37 سال قبل اطلاع حاصل نمودم» {چون از واقعه ارگ اکنون 40 سال می گذرد و شما 37 سال قبل از آن اطلاع حاصل کردید یعنی پس از آنکه ببرک کارمل با قوای مهاجم شوروی به افغانستان آمدند. آیا شما در آنوقت در افغانستان بودید و یا در خارج؟ اگر در داخل کشور بودید، این اطلاع را چگونه و از کدام طریق بدست آوردید؟ و اگر در خارج کشور بودید، چطور صد ها نفر در خارج کشور این اطلاع را به شما رسانیدند، درحالیکه این خبر برای دیگران رسانیده نشد؟ اگر برای دیگران درعین زمان این خبر میرسید، حتماً در آنوقت از چند منبع دیگر نیز صدا بلند میگردد. لیکن از آنوقت تا حال به غیر از قول شما هیچکس دیگر از آن سخن نگفته است!!}.

«اما چون مستقیماً از زبان شاهدان زنده و مؤثق نشنیده بودم، یادداشتی در دست نداشتم. اما طی سالیان بعدی، با نشست ها و گوش دادن ها، فرصت آن پیدا شد که جریان را به دقت بنویسم و یا ثبت نمایم.» {از این گفته معلوم میشود که با این یادداشت گرفتن ها و دنبال قضیه رفتن ها و با این نشست ها و گوش دادن ها و جریان را بدقت نوشتن و ثبت نمودن ها، میخواستید گویا نقش یک محقق تاریخ را بعهده بگیرید. متأسفانه شیوه ای تحقیق که مستلزم آفاقیت و مراجعه به آراء و نظریات مختلف و تحلیل آن نظریات میباشد، در شیوه ای کار شما دیده نمیشود، زیرا با شنیدن نظر یک شاهد که معلوم نیست چه وقت، در کدام مکان و تحت کدام شرایط روحی و جسمی که شاهد قرار داشته است، اکتفا کرده و نظر او را غیرقابل تردید و غیر قابل انکار پنداشته و به آن تمسک بسته اید. باز هم اگر شما این جریان را به دقت نوشته و ثبت کرده اید و هدف شما به حیث یک گزارشگر (راپورتر) و یا یک ژورنالیست!! تهیه یک خبر و یا یک گزارش تاریخی بوده باشد، در آنصورت برطبق اصول قبول شده ژورنالیزم باید محض خبر را با ذکر منبع آن به نشر می رسانیدید و از ابراز نظر خود با این عبارت که قضیه «یک واقعیت غیرقابل انکار و غیرقابل تردید» است، اجتناب میکردید. در اینجا باز هم قابل پرسش است که شما چرا گزارش خود را حینیکه نوشته شما گویا تکمیل و ثبت گردید، در یکی از جراید یا نشریه ها مثل دیگر نوشته های تان

نشر نکردید؟ دلیل اینکار تاحال چه بوده که همچو موضوع مهم تاریخی را در یک تبصره کوتاه بطور ضمنی بیان کنید، چنانکه به ارتباط تصحیح جناب جمیلی صاحب آنرا مطرح کردید؟ از اینکار شما واضح می شود که شما نه به حیث یک محقق به جمع آوری معلومات به اصطلاح خود شما "اسناد تقه" تشبیت کرده اید و نه به حیث یک گزارشگر و ژورنالیست، بلکه انگیزه آنرا باید در جای دیگر جستجو کرد یعنی در عقده مندیهای شخصی شما در مقابل شهید محمد داؤد و خانواده او که در این باره از قلم و زبان شما مطالب زیاد به نشر رسیده است.

«چون آنانیکه با کم حوصله گی تن به نوشتن کلمات توهین آمیز می دهند، وقتی با شواهد غیرقابل انکار که ده ها تن از نزدیکان خانواده سردار داؤد خان از آن اطلاع دارند، مواجه شوند، ممکن است سبب رنگ زردی ایشان گردد لذا برای تان وعده میدهم که هرگز بدون اسناد تقه، چیزی نخواهم نوشت.» {برای نجات از رنگ زردی، آیا میتوانید از جمله ده ها تن از نزدیکان خانواده سردار داؤد خان فقط تعداد انگشت شمار آنها را نام برید تا بدانوسیله اقلأ یک وجه تقه بودن ادعای خود را ثابت سازید؟}

آقای داؤد ملکیار! شما در مقاله خود تحت عنوان "چگونگی قسمتی از وقایع ارگ" منتشره این پورتال (مورخ 12 جون 2018) به حیث سند "تقه" فقط از قول یک شاهد عینی (90 فیصده) بدون ذکر نام و مشخصات او به دلیل «جلوگیری از نشر سخنان شخصی، خانوادگی و خصوصی» و یک شاهد عینی دیگر (10 فیصده) با ذکر نامش آنهم از قول نامعلوم برادر خود به نکاتی اشاره کرده اید که اینک اهم نکات آنرا در ارتباط با موضوع، مورد بررسی قرار میدهم و سؤالهای مربوطه را خدمت شما پیشکش میدارم که امید است به جواب آن پرداخته شود:

«در مورد افشای نام شاهدان عینی، بنابر ملحوظات خاص {کدام ملحوظات خاص؟ آیا میتوان یکی دو ملحوظ خاص را توضیح دهید؟}، تصمیم گرفته شد { آیا خود شما تصمیم گرفته اید و یا دیگران نیز در این تصمیم شریک بوده اند؟} که ذکر نام، تا وقت گرفتن اجازه رسمی، به آینده نزدیک، موکول گردد.» { در اینجا پرسیده میشود که آیا شما از محترمه "هما جان" داؤد عثمان (خانم سابق شهید خالد داؤد) و ذکر نام ایشان در نوشته تان قبلاً اجازه گرفته بودید که ذکر نام شاهد عینی (90 فیصده) خود را موکول به کسب اجازه ایشان مینمائید؟}

«زیرا بعضی رشته های باریک اجتماعی و احترام به روابط خانوادگی، پابندی و وفا به عهد، مانع از آن می شود که برای آرام ساختن و قانع ساختن چند معترض، حریم خصوصی کسی، دستخوش بگو مگو ها واقع گردد و در معرض تهاجم چند نویسنده بی باک، و چند تن بد زبان کوچه بازاری، قرار داده شود.» {دریک مصاحبه از نظر تعامل دقیق ژورنالیستی سخنان طرف به موافقه قبلی او به دو شکل صورت میگیرد: یکی در داخل ثبت (On-Record) و دیگر بیرون ثبت (Off-Record). اول الذکر قابل نشر و دومی مطالب خصوصی و غیرقابل نشر میباشد. هرگاه ثبت شما در حالت اولی صورت گرفته باشد، پس مانعی در نشر آن و نیز ذکر نام مصاحبه شونده وجود ندارد، چون مصاحبه شونده با آن قبلاً موافقت کرده است، و در حالت دوم ژورنالیست حق نشر آنرا ندارد و میتواند آنرا فقط برای روشن شدن ذهن خود در موضوع بکار گیرد که اگر بخواهد در پایان گزارش از خود یک تبصره را علاوه کند. شما این دو اصل را باهم مخلوط کرده و در نتیجه به اصطلاح عوام یک "کجری قروت" را بار آورده اید. اگر شاهد عینی شما موافقه کرده که ثبت مصاحبه با معیار "داخل ریکارد" صورت گیرد، لذا رعایت حریم خصوصی، روابط خانوادگی و غیره در نشر موضوع مفهوم خود را از دست میدهد و اما اگر "وفا به عهد" در میان بوده باشد، چنین استنباط میگردد که شاهد عینی به شما حق نشر آنرا نداده است. در اینصورت شما هستید که نه تنها از اصل قبول شده ژورنالیزم تخطی کرده اید، بلکه به عهد خود نیز با شاهد وفا دار نمانده اید.

«باید گفته شود که بیش از نود در صد این نقل قول ها از چشم دید شاهد اولی و یک قسمت بسیار کم از شاهد دومی درین جا ذکر میگردد و آنچه از شاهد اولی و اصلی در دسترس موجود است و درین جا نقل میگردد، بصورت ویدیویی یعنی تصویری و صوتی می باشد که در جلو چشم چند نفر ثبت

گردیده و جای شک و تردید را در مورد اصلیت آن، باقی نمی گذارد.» [در اینجا واضح میشود که منبع ادعای شما 90 فیصد از قول یک نفر است، لذا صحبت از "شاهدان عینی" مبالغه میباشد. اما اینکه شاهد عینی اظهارات خود را در حضور چند نفر بیان کرده است و شما آن را ویدیو کرده اید، آیا در ویدیو حضور اشخاص دیگر به مشاهده میرسد یا نه؟ آیا میتوانید اقلأ از چند نفر حاضر در آن مجلس نام ببرید؟]

«برای تائید اظهارات شاهدان عینی وقایع ارگ، منابع دیگری نیز وجود دارد که عین وقایع را با تفاوت های جزئی نقل نموده اند. چنانچه سال قبل، یکی از نزدیکان محترمه هما عثمان (خانم سابق مرحوم خالد داؤد) که با برادرم در امور ترجمانی مؤقتاً همکاری بود، همین جریان ارگ و عمل مرحوم ویس داؤد را با برادرم در میان گذاشته و تائید نموده بود.» [اینکه محترمه هما جان به برادر شما چه گفته و با کدام تفاوت های جزئی عمل ویس داؤد را تائید کرده است، باید دقیقاً بطور مستند بررسی شود. نخست مقصد شما از برادر تان کیست، کدام برادر شما، در چه وقت، در کجا و با کدام عبارات مشخص؟ زیرا این بیان تائیدی از اهمیت خاص برخوردار است و باید بصورت مستند ارائه گردد، در غیر آن فاقد اعتبار حقوقی میباشد. امید است شما در این مورد به توضیحات دقیق و مستند بپردازید.]

«خالد داؤد نزدیک های نیم شب به منزل بالا آمد و گفت که دیگر امید رسیدن کمک از بیرون نیست. عمر داؤد گفت که باید تا آخرین مرمی بجنگیم. چون در بالا خطر اصابت بم های طیاره بیشتر بود، عمر داؤد هم با خانم و اولاد ها طرف پائین روان شدند، هنوز به هال پائین نرسیده بودند که از بیرون کلکین، فیر ماشیندار شد و به هر چهار نفر اصابت کرد. عمر داؤد چون مرمی به قلبش خورده بود، در ظرف چند دقیقه فوت کرد، دختر سیزده ساله اش (غزال) یکساعت بعد فوت کرد، دختر پانزده ساله و خانمش، زخم های شدید برداشتند که دخترش متأسفانه روز بعد وفات نمود.» [متن و عبارات نشان میدهد که این نقل قول از زبان کسی دیگر بیان شده است، نه از قول شاهد عینی، مثلاً اگر نقل قول از خانم عمر داؤد (یعنی محترمه گلالی ملکیار داؤد که از ماجرا با وجود زخم های شدید جان به سلامت برد)، بوده باشد، پس باید او چنین نمی گفت که: «عمر داؤد هم با خانم و اولاد ها طرف پائین روان شدند، هنوز به هال...»، بلکه می گفت که: "عمر یا عمر جان با من و اولادها... " و یا اینکه "دختر سیزده ساله ام" (نه دختر سیزده ساله اش) و ادامه جمله... به این اساس ماهیت این توضیحات که از زبان شخص سوم بیان گردیده است، از اهمیت تقه بودن گفتار شاهد عینی که شما ادعا کرده اید، جداً می کاهد و روایت از نقل قول را بوسیله شخص ثالث به اثبات میرساند. امید است به این باریکی توجه عمیق کرده و آنرا واضح سازید که راوی ثالث کی بوده است؟ آیا شخص خود شما و یا کسی دیگر؟]

«بعد از نیم شب خالد داؤد نیز زخمی شد و در حالیکه بسیار درد میکشید، از ویس برادرش می خواست که بالای او فیر کند، اما ویس مقاومت میکرد. خالد زاری میکرد که (غیرت کن، فیر کن)، به این ترتیب خالد یک ساعت بعد فوت نمود.» [در حالیکه ویس از تقاضای مکرر و حتی جدی برادر خود طفره رفت و چنین کاری را در حق برادر شدیداً زخمی و قریب الموت خود انجام نداد، آیا میتوان این عمل جنایتکارانه را به همان شخص با چنین ترحم و احساس خون شریکی نسبت داد و به انجام آن کار توسط او مهر تائید گذاشت که گویا او بعداً به سراغ زن و فرزند و دیگر اطفال و زنان برود و آنها را بدون موجب به قتل برساند، آنهم در لحظاتی که پدر و مادرش هنوز زنده و پدرش با دشمن در حال مقاومت است و آیا میتوان چنین پنداشت که ویس بجای کمک با پدر و ایستادن در جوار او، برود و به قتل چند مظلوم دست یازد؟ این ادعا غیر قابل قبول بوده و منطقاً دور از باور است. اینکه بعضی ها آنرا به دلیل "ناموس داری" بیان کرده اند، بسیار خنده آور به نظر میرسد.]

«خانم ها، اولاد ها و کسانی که زخمی شده بودند، در اتاقیکه دروازه آن در هال موقعیت داشت، قرار داشتند... در طول شب سر مرحوم خالد داؤد در بغل خانمش بود و همانطور جان داده بود، و سر مرحوم عمر داؤد، بالای زانوی خانمش قرار داشت.» [باز هم این نقل قول بطور مستقیم از شاهد عینی نیست و از زبان راوی ثالث بیان شده است. قبلاً گفته شد که: "عمر داؤد چون مرمی به قلبش خورده بود، در ظرف چند دقیقه فوت کرد"، سؤال میشود که چگونه او در آن حال توانست بیاید و سر خود را بر زانوی خانم خود بگذارد، آیا خانمش قبلاً در جایی نشسته بود؟ و در این حال که فیر در قلب او اصابت کرده بود، او چطور تشخیص داد که زانوی زنش در

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

کجا است که بیاید و سرخود را در آنجا بگذارد. این وضع فقط یک فانتری گوینده یا راوی ثالث را احتمالاً برای تجسیم این صحنه نشان میدهد.

«داؤد غازی نواسه داؤد خان نیز در زیر زانو زخم برداشته بود اما می توانست راه برود و در طول شب از یک اتاق به اتاق دیگر میرفت.» {داؤد غازی در مصاحبه خود گفته است که او از عمارت بیرون شده و میخواست به جای امن برود که ناگهان یک فیر به پایش خورده و در همانجا بوده تا بعداً از همانجا به شفاخانه انتقال یافته بود، نه آنکه از یک اتاق به اتاق دیگر برود.}

«صدای فیرها نزدیکتر شده میرفت. همه منتظر لحظات آخر بودیم. دشمن نزدیک شده میرفت، وقتی دشمن به دروازه عمارت رسید، ویس آمد به اتاق درون، اول بالای کسانی که پیش رویش و نزدیک دوازه بودند، فیر کرد یعنی اول بالای زن خود و بعد بالای اولاد های خود فیر کرد و بعد از آن بالای خانم و دختری که در پهلوی خانم ویس نشسته بودند، فیر کرد و بعد تا که توانست از بین برد.» {در همچو لحظه حساس که دشمن به دروازه عمارت رسیده بود، اگر انسان عقلش را هم از دست داده باشد، باز هم باید در برابر دشمن اخذ موقع میکرد و در جوار پدر نامدار خود که با شهامت و مردانگی در برابر دشمن ایستاده بود، قرار میگرفت و به دفاع از او ایستاد می شد، نه آنکه نامردانه توجه را در همچو حالت حساس به قتل زن و فرزند و دیگر زنان و اطفال مبذول می نمود. اینجاست که پای منطق در میان می آید و انگیزه ای چنین عمل خطیر، آنهم به ارتباط شخصی که جرأت نکرد برادر زخمی و مشرف به مرگ خود را بنا بر درخواست جدی او به قتل برساند، مطرح میشود که چطور میتوانست به قتل چند موجود بیگناه و آنهم با در نظر داشت عاطفه پدری و فامیلی به چنین کاری ننگین مبادرت ورزد؟ اینجاست که پای چوبین چنین استدلال و ادعا می لنگد. در عین زمان شاهد عینی در همچو وضع باید کاملاً از نظر روانی و جسمانی در حالت عادی بوده باشد که چنین صحنه را با جزئیات آن بیان کند، درحالیکه هیچیک به شمول کسانی که حتی زخمی نشده بودند، تاحال موضوع را به چنین شرح و بسط بیان نکرده اند، چه رسد به کسیکه خودش بیش از ده جا در وجود خود زخم برداشته و درحالت نیمه اغماء بوده باشد.}

«شاهد در ادامه میگوید: فکر میکنم دلیلی که دیگران زنده ماندند این بود که ویس زیاد مهلت نیافت، چون درین وقت دشمن به داخل هال رسیده بود و در همین وقتی که دشمن بالای داؤد خان و دیگران فیر میکرد، ویس از پیش دروازه به کشتار در اتاق ما مصروف بود، درین وقت بالای ویس هم از پشت فیر شد و برای ویس مهلت نرسید که دیگران را که در پهلوی دیوار بودند بزند. زهره جان، سلطانه جان، هما جان و چند نفر دیگر نزدیک دیوار بودند. چون ویس از پیش دروازه فیر میکرد، کسانی که پهلوی دیوار بود، ویس آنها را از دروازه دیده نمی توانست، بعداً دیدیم که جسد ویس هم در لخک دروازه افتاده بود.» { شما آقای ملکیار اول ادعا کردید که: «محترمه هما جان در حالیکه پسرش را در آغوش داشت، به سرعت خودش را به زیر زینه ها رسانده و در آنجا پنهان شد و به این ترتیب از چشم مرحوم میرویس داؤد مخفی ماند»، ولی حالا از قول شاهد عینی می نویسد که: « زهره جان، سلطانه جان، هما جان و چند نفر دیگر نزدیک دیوار بودند. چون ویس از پیش دروازه فیر میکرد، کسانی که پهلوی دیوار بود، ویس آنها را از دروازه دیده نمی توانست..» با آنکه شما ماشاء الله به حافظه قوی خود آنچنان اعتماد دارید که یک سخن چندین سال قبل را با همه جزئیات آن بخاطر دارید و آنرا حرف به حرف کود و روایت می کنید، چطور شد که این بار حافظه شما یاری نکرد و گفتار تان در تناقض قرار گرفت. واضح است که این تغییر به جواب کسانی ارائه گردیده که می گفتند چرا ویس دیگر زنان و دختران را مورد فیر قرار نداد، اگر موضوع ناموس داری مطرح می بود. بهرحال امید است به این تناقض در ادعای خود مبنی بر موقعیت محترمه هما جان روشنی اندازید که به کدام یک از گفته شما باور کرد!}

«شاهد اضافه میکند: شنکی جان توسط ویس زده نشد، چون او با فیر تفنگچه خودش را کشت. وقتی عسکر ها داخل اتاق ما شدند و ما و دیگر زخمی ها را از اتاق می کشیدند، دیدیم که شنکی جان در زمین نشسته و سرش به روی زانویش افتاده است.» {آیا شنکی شهید که متواتر در آن لحظات در جوار پدر خود می بود، چرا به یکبارگی پدر را گذاشته و خودش در کناری نشسته و دست به خودکشی زده است؟ آیا او با شهادتی که داشت بجای از بین بردن خود، برای از بین بردن دشمن قرار نگرفت؟ در اینجا بار دیگر موضوع منطق

مطرح می‌گردد و اگر گفته شود در چنان حالت، شخص عقل و منطق خود را از دست می‌دهد، پس شاهد عینی در چنان حادثه چگونه بر عقل و فکر خود حاکم بود تا همه قضایا را با جزئیات که کی در کجا نشسته بود و کی چه می‌کرد، با وجود زخم های متعددی که در وجود خود داشت و باید در حالت ضعف می بود، بخاطر داشته است.}

آقای داؤد ملکیار! تا اینجا موضوع به ارتباط نظر شاهد عینی ارقام یافت، اکنون برمیگردم به پیشنهاد شما مبنی بر دعوت از ده نفر به اصطلاح "هیئت ژوری" که لطف نموده خود انتخاب کرده اید تا بیابند و اسناد دست داشته شما را از نزدیک ببینند. اگر از مشکلات تکنیکی این موضوع بگذرم، طوریکه محترم جناب وطندوست به آن اشاره کرده اند که یک از پاریس و دیگر از سویدن و دیگران از جاهای دیگر به خدمت شما برسند، از نظر وظیفوی نیز باید خاطر نشان سازم که فرض محال همه آمدند و اسناد صوتی و ویدیویی شما را دیدند، آنها مکلفیت خواهند داشت تا چشم دید خود را به اطلاع دیگران برسانند و اولین سؤال مردم این خواهد بود که شاهد عینی در این موضوع کی بوده است؟ این حق مردم است که باید بدانند، چون موضوع شخصی و منحصر به دوطرف دعوا نیست، بلکه یک موضوع تاریخی و مربوط به همه مردم است. در اینصورت هیئت ژوری باید به این سؤال جواب بگوید و شاهد عینی را معرفی کند. در اینحال آیا حساسیت های خانوادگی، روابط خصوصی و غیره که مانع کار شما در معرفی شاهد بوده است، دوباره به شکل دیگر مطرح نمیشود، تنها با این تغییر که شما مسئولیت اینکار را از شانه خود به شانه هیئت منتخبه خود انتقال می‌دهید و می‌خواهید بدینوسیله برف بام خود را به حویلی دیگران بیندازید و بازهم به گفته عوام "خود در غندی خیر بنشینید" و مطلوب خود را بوسیله دیگران عرضه کنید و از دور به تماشای بگو مگوهای فراوان نشسته به ریش دیگران بخندید. آفرین به این حکمت های ... شما!!

در پایان می‌خواهم به متن یکی از آخرین تبصره های شما در ستون نظر سنجی اشاره نمایم که فرموده اید: «باید گفته شود که انتشار نوشته من از قول شاهدان عینی در مورد قسمتی از وقایع ارگ، به حیث یک تابو شکنی و سر نخ می باشد که از طرف من به محققین واقعی و صادق پیشکش شده است، نه به معنی حرف آخر و یا نعوذ بالله (گپ آسمانی).»

آقای محترم ملکیار! کاش این مطلب خود را از همان اول می گفتید و فقط جریان رویداد را از قول شاهد عینی خود بیان میکردید و خود را در مسند قضاوت نهائی قرار نمیدادید و ادعای خبرداشتن صدها نفر را از قضیه نمی‌کردید و آنرا یک واقعیت غیرقابل انکار و غیرقابل تردید بیان نمیداشتید و گزارش خود را بعد از آنکه گفت و شنودها را به پایه اکمال رسانیده، اسناد ثقه خود را نوشته و ثبت کرده بودید، آنرا قبلاً به قسم یک گزارش به نشر می سپردید و طالب نظر دیگران می شدید و یا در گزارش خود [طبق اصول اساسی ژورنالیستی] از نظر مخالف نیز چند کلمه بیان می داشتید تا به آن وسیله برای گزارش خود اقلاً ماهیت آفاقی میدادید. اما شما برعکس به قضاوت قاطع پرداختید و موقع را برای "محققین واقعی و صادق پیشکش" نکردید تا آنها با آفاقیت به بررسی جوانب مختلف موضوع می پرداختند. سماجت و ایستادگی شما در اینکار تاحدی بود که خواستید گویا با اطلاع دهی این موضوع به دیگران، پای آنها را نیز با نقل قولهای بی اساس خود بکشانید. آفرین به این رندی ها! ولی آنچه را قبلاً گفته بودم بازهم تکرراً می‌گویم: "گل خشک هرگز به دیوار نمی چسپد!" امیدوارم هرچه زودتر لطف کرده به سؤالیهای مندرج این نوشته جواب مربوط به موضوع و بدون حاشیه پردازی را ارائه فرمائید. با تشکر (پایان نوشته اینجانب)

2 - با نقل قول از هما جان داؤد عثمان (آنوقت خانم شهید خالد داؤد) در نوشته فوق، خوشبختانه ایشان وقتی از اتهامات بی اساس آقای ملکیار در مورد خودشان مطلع شدند، جهت رد ادعای های به او،

برایش نامه نوشتند که بتاريخ 26 جولای 2018 در وبسایت افغان جرمن آنلاین به نشر رسید و اینک کاپی آن نامه محترمه هما جان را به حیث یک سند از قول یک شاهد عینی در آن شب و روز مرگبار خدمت علاقمندان بازنشر میکنم تا سیاه از سفید جدا گردد. علاوتاً قابل یادآوریست که آقای ملکیار ضمن یک تبصره کوتاه در صفحه نظرسنجی وبسایت افغان جرمن بتاريخ 21 اگست 2023 بر موضوع نقل قول بی اساس و اتهامات وارده خود بر خانم محترمه هماغان اعتراف کرده و نوشته است: «اعتراض هما جان عثمان در آن نوشته، تا اندازه بجا و درست بود چون من از شاهد عینی خود نام نبرده بودم، اما بدون صحبت با هما جان، اسم شانرا تذکر داده بودم، که موجب ناراحتی شان گشت و حق بجانب هم بودند.» این اعتراف بدون معذرت را میگویند: "حنای بعد از عید!" متن نامه محترمه هما جان داود عثمان:

AFGHAN GERMAN ONLINE
<http://www.afghan-german.com>
<http://www.afghan-german.de>

افغان جرمن آنلاین
 مجله آنلاین و نشر مجله تخصصی

2018/07/24
 هما داود عثمان

به جواب داود ملکیار

مقدمه: پورتال افغان جرمن آنلاین امروز نامه وارده از محترمه خانم هما داود عثمان، همسر شهید خالد داود فرزند شهید محمد داود دارند. که به جواب اتهامات محترم داود ملکیار رقم بافته. این نامه بعد از مطالعه خوانندگان در ژرفای اثر علمی و تحقیقی (حسیه) این پورتال جا داده میشود اداره پورتال این اعتماد ایشانرا به دیده قدر نگریسته و مراتب سپاس و امتنان خدمت این خواهر درد دیده خویش تقدیم میدارند.

بعد از سلام، آقای داود ملکیار راجع به چگونگی قسمتی از وقایع ارگ اقرار اظهارات شاهدان عینی شما که در حق من تحریر نموده اید صحت ندارد، و تلیقه خود میدانم تا چند سطر برای روشن شدن حقیقت راجع بخونم بنگارم.

شما که افشای ذکر نام شاهدان عینی خود بنا بر منقولات خاص به آینده نزدیک موعول کرده اید، آیا ذکر نام من را در نوشته خود قبلاً اجازه گرفته بودید؟
 نظر به گفته شاهد عینی شما، من بکبار با پسرم برای حفظ جان خود زیر زینه پناه بردم بعدا پهلوی فیل پایه و بلاخره کنار دیوار.
 اصلاً حفظ جانم در آن شب و روز دردناک و خونین مطرح نبود، من در وسط اتاق نشسته سر خالد شهید شوهرم بالای ژانوم و پسرم را طوری در آغوش گرفته بودم، که اگر مرگی اصابت کند در بدن خونم اصابت کند. من از هر زاویه اتاق مکتور قابل دید بودم.

شما تذکر داده اید که یکی از نزدیکان محترمه هما عثمان (هلم سابق مرحوم خالد داود) که با برادرم در امور ترجمانی موقتاً همکاری بود همین جریان ارگ و عمل مرحوم ویس داود را با برادرم در میان گذاشته و تلمیح نموده بود. این قطعاً دروغ و تهمت در حق من است. من با هیچ یک از نزدیکان خود جریان ارگ و عمل ویس شهید را نظر به گفته شاهدان عینی شما در میان نگذاشته و تلمیح نکرده ام، زیرا که این عمل را من ندیده ام که ثابت کنم اما این که ویس شهید به اطاق می آمد و باز نزد پدر خود بر می گشت ثابت میکنم زیرا که دو برادر مجروح شده بودند و شهید ویس تا آخرین لحظه در کنار پدر خود شهید داودالمان ایستاده بود.

هما داود عثمان

د پانو شمیره: له 1 تر 1
 افغان جرمن آنلاین به درنبت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ
maqalat@afghan-german.de

د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنبت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

3 - قابل ذکر است که بین اینجانب (سیدعبدالله کاظم) و آقای داؤد ملکيار در ماه جولای 2018 چند نوشته پیرامون موضوع رویداد ارگ چند نوشته تبادلہ گردید که در یکی از آنها موصوف ادعا کرد که قبلاً موضوع را عبدالله کاظم در میان گذاشتم و او به من توصیه کرد از انداختن مسئولیت بدوش ویس داؤد بگذرد. این یک ادعای بی اساس آقای ملکيار بود که او هیچگاه چنین موضوع را با من در میان نگذاشته و من از آن اطلاعی نداشته ام و نیز روابط نزدیک با داؤد ملکيار نداشته ام که او چنین موضوع مهم را با من در میان بگذارد و این اتهام او را با جدیت رد کردم. او میخواست با این ترتیب پای مرا نیز به این ادعای بی اساس خود بکشاند. (مراجعه شود بجوابیه اینجانب منتشره افغان جرمن آنلاین - مورخ 25 می 2018 تحت عنوان "به جواب ادعاهای بی اساس آقای داؤد ملکيار".

https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_answer_daoud_malikiyar.pdf

حالا آقای ملکيار در جوابیه مختصر مورخ 23 آگست 2023 خود برنوشته محترم آقای نبیل عزیزی که در آغاز این نوشته متن آنرا اقتباس کردم، چنین می نگارد که: «من بزودی به جواب انتقادات آقای کاظم و پیروان شان، جواب لازم را ارائه خواهم کرد..»

در این ارتباط باید خاطر نشان سازم که من وظیفه خود را در همان سال 2018 با نوشتن چند مقاله در جواب ادعاهای آقای داؤد ملکيار پیرامون واقعات ارگ در آن شب و روز ظلمانی به تفصیل بیان کرده ام، اکنون وقت آنست که بجای جواب برای من، باید او به جواب کسانی دیگر بپردازد که در برابر ادعای هایش از زبان مرحوم گلالی جان موقف گرفته و نظریات انتقادی و تردید آمیز خویش را چه به حیث تبصره در فیسبوک و یا نوشته و تبصره در ویسایت افغان جرمن آنلاین نوشته اند. من گفتنی های خود در رد این ادعا قبلاً بیان کرده ام و دیگر به ادعای های بی اساس و عقده مندانه کسی گوش نمیدهم و وقت خود را ضایع نمی سازم، مگر آنکه ناگزیر شوم!

محترم آقای داؤد ملکيار!

پس از مطالعه نوشته اخیر شما تحت عنوان "توضیحاتی پیرامون وقایع ارگ، به جواب آقای کاظم" در سال 2018 ناگزیر باید عرض کنم که پاسخ شما به سؤالی من شباهت به حالتی غریقی دارد که برای نجات خود به هر خس و خاشاک دست می اندازد. نقل قولهای شما از اشخاصی مندرج نوشته تان از نظر قوت استدلال برای ثبوت ادعای تان آنقدر ضعیف و بی ربط است که خود نشان دهنده تلاش تان برای نجات از این قصه پردازی های بی اساس میباشد. شما فکر کرده اید که همه در خواب اند و تنها شما بیدار هستید. یک کمی سر در یخه عقل فرو برید و ببینید که نقل قولهای هوایی شما به روی کدام پایه و اساس استوار است؟ آنها مثل فیرهای هوایی اند، که هرگز برای ثبوت ادعای تان نه تنها به هدف اصابت نمیکنند، بلکه ضعف دلیل شما را نیز ثابت می سازند. شما ادعای خود را یک «واقعیت غیرقابل انکار و غیرقابل تردید» اعلام داشته اید، درحالیکه استدلال خود را در نقل قول از مرحومه گلالی جان با حضور تعدادی از حاضران در آن موقع بیان کرده اید که تا هنوز از نام آنها تذکر نداده، چه رسد به آنکه آنها حاضر شده باشند تا از صحت گفتار مرحومه در آنوقت تصدیق و شهادت اصولی بدهند و هیچیک آنها نظر قاطع شما را تأیید نکرده اند. چگونه میتوانید حدس و گمان و برداشتهای شخصی خود را از گفتار بدون سند و ثبوت آنها، وسیله اثبات یک "واقعیت غیرقابل انکار و تردید" بدانید. پناه بردن به اینکه دوست من در بیرون

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

رستوران‌ت چنین گفت و من چنان گفتم، یا اینکه شاهدان عینی جرأت نمیکنند از ترس و آنهم از ترس کی؟ پای خود را برای ارائه شهادت پیش بگذارند و دیگر تذکرات شما از این قبیل به "داستان سرائی" بیشتر شباهت دارد تا برای ثبوت یک ادعا.

4 - آنچه را آقای داؤد ملکیار در نوشته اخیر خود تحت عنوان "محمد داؤد و خانواده اش چگونه کشته شدند؟" (منتشره وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین - مورخ 16 اگست 2023) از قول مرحومه گلالی ملکیار داؤد (خانم شهید عمر داؤد) نوشته است: «وقتی خلقی ها درآمدند، به خیالم بابه داؤد خود را همراهی تفنگچه کشت.» علاوتاً، آقای داؤد ملکیار برای اثبات این ادعای بی اساس در صفحه 18 نوشته فوق الذکر خود کاپی مقطوعه روزنامه "اطلاعات" ایران را نیز درج کرده که در قسمت بالای آن به حیث یک خبر مهم آمده است: «داؤدخان پشت میز کار خودکشی کرد». درج این شایعه بی اساس در نوشته فوق آقای ملکیار انسان را به تعجب وامیدارد که یک مرد معتقد و پابند همچو محمد داؤد شهید به اصول دین مقدس اسلام چگونه به چنین عمل و آنهم در چنین موقع حساس با خودکشی خود را خسر دنیا و آخرت می سازد؟ وقتی اوگفت که : به جز خدای متعال به کسی تسلیم نمیشوم، میتوان به بزرگی آن مرد پی برد که شهادت را بر تسلیمی به دشمن مردانه ترجیح داد و نام بزرگ در تاریخ کشور کمائی کرد. چگونه داؤد ملکیار به خود حق میدهد چنین چیزی را از زبان یک عروس آن شهید نقل قول کند ویا کاپی مقطوعه سرخط اخبار "اطلاعات" ایران را درختم مقاله خود به نمایش بگذارد، مگر آنکه ریگی در کفش نداشته باشد؟

اعتراف ذیل شهنواز تنی حقیقت این موضوع را آشکار می سازد که وی ضمن یک مصاحبه خود با تلویزیون طلوع چنین گفت و صراحتاً اعتراف کرد که:

«من به ساعت 5 بجه صبح بتاریخ 8 ثور تعرض خود را بالای ارگ جمهوری شروع کردیم و به ساعت 6 بجه صبح توسط یک گروپ کوماندو قصر گلخانه را وقتیکه محاصره کردیم، از داؤد خان خواهش شد که تسلیم شود، ولی داؤد خان قبول نکرد و گفت که ما تسلیم نمی شویم و روبرو سر کوماندوهاییکه موجود بودند، فیر کردند و بعد از آن قدمه دوم گروپ کوماندوئی ما بخاطر دفاع از خود و حفظ جان خود فیر کردند. داؤد خان و کسانیکه همراه شان بودند، از بین بردند» (برگرفته



از متن کلیپ ویدویی موجود در یوتیوب که اینجانب آنرا از گفتار به قید قلم آورده و در کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داؤد از آغاز تا انجام - 1310 تا 1357"، چاپ کابل، 2019، جلد سوم، صفحه 1127 به نشر سپردم)

پایان نوشته و ختم سخن با آقای داؤد ملکیار در این زمینه!

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ